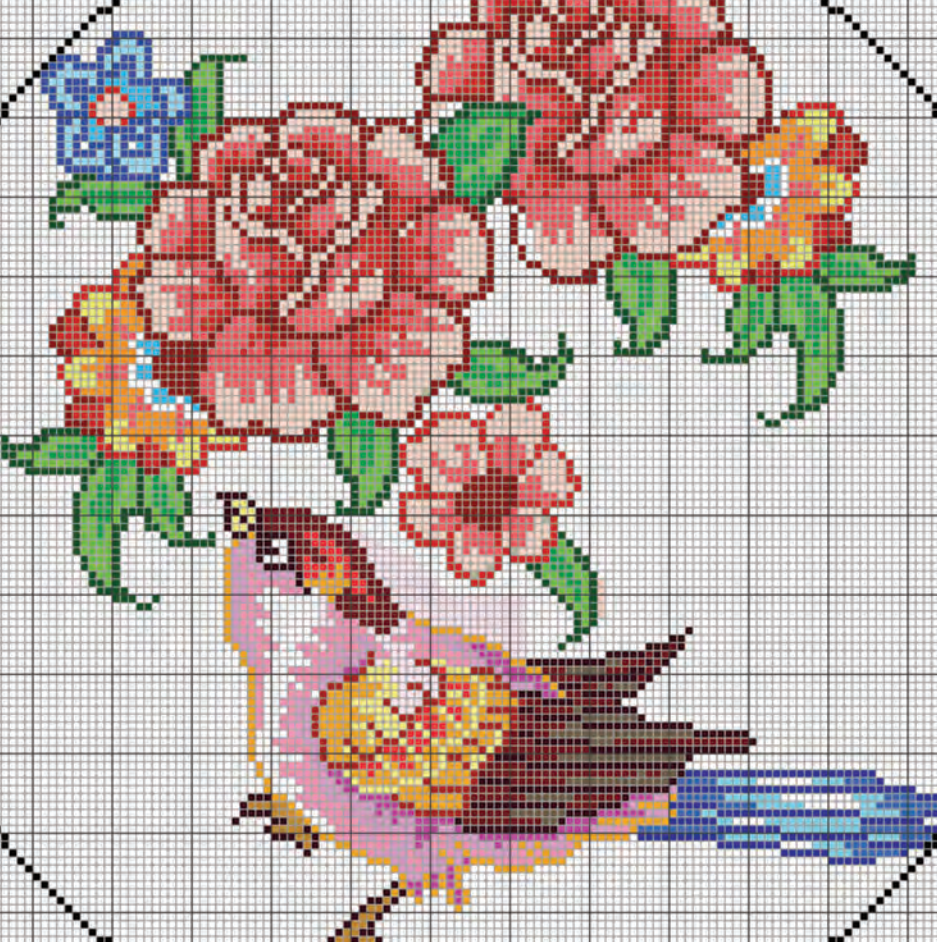


مسائل فرهنگی ایران

فصل چهارم



▲ تخریب اموال عمومی و ملی (وند ایسم)



اهداف فصل چهارم

در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

- ۱- نقش فرهنگ را در دستیابی به پیشرفت اقتصادی تشریح نماید.
- ۲- با مشکلات فرهنگی در مسیر پیشرفت اقتصادی آشنا بوده و برای آنها راه‌حل ارائه دهد.
- ۳- ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی و فرهنگ مناسب آن را تبیین نماید.
- ۴- توانایی تشخیص مسائل اخلاقی جامعه را داشته باشد و در ارائه راه‌حل‌های فرهنگی برای حل آنها تلاش کند.
- ۵- مهارت تجزیه و تحلیل مسائل فرهنگی جامعه را کسب کند.
- ۶- خود را نسبت به فرهنگ جامعه مسئول دانسته و واکنش مناسب نسبت به تغییر و تحولات فرهنگی بروز دهد.



درس اول فرهنگ و اقتصاد



فرهنگ جامعه ما، به رغم ویژگی‌های مثبت و ظرفیت‌های فراوانی که دارد، با برخی کاستی‌ها و چالش‌ها روبه‌روست و از آنها رنج می‌برد. این ضعف‌ها و آسیب‌ها، در تمام حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بروز و ظهور دارند و توسط پژوهشگران و کارشناسان، مطالعه و بررسی می‌شوند. امروزه، این موضوعات، به صورت «مسئله» خودنمایی می‌کنند که در صورت حل نشدن، به «آسیب»، «معضل» و «بحران» تبدیل خواهند شد.

در این درس، برخی از مسائل اقتصادی، از منظر فرهنگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

♦ وابستگی فرهنگ و اقتصاد به یکدیگر



از نظر شما فرهنگ و اقتصاد چه رابطه‌ای با هم دارند؟ آیا در هر شرایط فرهنگی، پیشرفت اقتصادی اتفاق می‌افتد؟ تحولات اقتصادی چه تأثیری بر فرهنگ و سبک زندگی دارد؟

فرهنگ و اقتصاد در هر جامعه، تعامل مستمر و جدایی‌ناپذیر با یکدیگر دارند. همان‌گونه که اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری افراد بر پویایی، کیفیت و سرعت پیشرفت اقتصادی جامعه تأثیر دارند، تحولات اقتصادی نیز نقش

مؤثری در تغییرات فرهنگی، باورها و رفتارهای مردم دارند.

«**خوب زیستن**» انسان‌ها، از یک‌سو به باورها، شایستگی‌ها، مهارت‌ها، سبک زندگی و فرهنگ آنان وابسته است و از سوی دیگر در گرو میزان و نحوه برخورداری از منابع اقتصادی و مادی مناسب می‌باشد. فرد یا جامعه‌ای که دارای امکانات و شرایط اقتصادی مناسب است و نیازهای زیستی او تأمین شده است، فرصت بهتر و بیشتری برای تأمین نیازهای روحی و تحقق اهداف و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی خود دارد و بالعکس، فرد یا جامعه‌ای که فاقد حداقل‌های لازم برای تأمین نیازهای مادی و زیستی خود است، در تأمین نیازهای فکری و فرهنگی خود با مشکل روبه‌رو می‌شود.

مردم براساس فرهنگ خود، رفتار اقتصادی نشان می‌دهند به همین دلیل اقتصاددانان، در بررسی علل و عوامل پیشرفت کشورها، فرهنگ اقتصادی جامعه را در کنار سایر عوامل، مانند منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ترکیب جمعیتی و پیشرفت علمی، مؤثر می‌دانند. خودباوری، نظم‌پذیری، سخت‌کوشی و پشتکار، علاقه به کارگروهی، روحیه ریسک‌پذیری، خلاقیت و کارآفرینی، از جمله ویژگی‌های فرهنگی است که می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد.

در دهه‌های اخیر، برخی از کشورها، پیشرفت اقتصادی چشمگیری داشته‌اند و سرمایه‌ها و درآمدهای کشور خود را به میزان زیادی افزایش داده‌اند، لیکن به دلیل عدم توجه به اقتضائات و شرایط فرهنگی توسعه، آسیب‌ها و مشکلات زیادی را در سطح ملی و جهانی به‌وجود آورده‌اند که تخریب محیط زیست و گسترش شکاف طبقاتی بین کشورهای توسعه یافته با کشورهای توسعه نیافته، نمونه‌هایی از این بی‌توجهی است.

در مکتب اسلام، که هدف نهایی، فراهم آوردن زمینه رشد معنویت و تعالی انسان و امت اسلامی است، اقتصاد به منزله ابزاری مهم باید در خدمت «خوب زیستن» افراد، آبادانی دنیا و ایجاد رفاه عادلانه قرار گیرد. در این مکتب، فقر زمینه‌ساز دوری مردم از دین معرفی شده و به مبارزه با آن دعوت شده‌اند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» فقر مادی می‌تواند زمینه کفر و بی‌دینی را فراهم آورد.

❖ ضرورت اصلاح فرهنگ اقتصادی کشور

بررسی ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان نشان می‌دهد، برخی از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای ما، مناسب رشد و پیشرفت اقتصادی نیست. برای اینکه طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، صحیح و درست اجرا شوند، لازم است باورها و رفتارهای ما اصلاح شوند و فرهنگ مناسب پیشرفت در کشور شکل بگیرد. برخی از این اصلاحات، عبارت‌اند از:

۱- اصلاح الگوی مصرف

چرا میزان مصرف بسیاری از اقلام و کالاها در ایران بالاست؟ ریشه فرهنگی این «مسئله» چیست و برای درمان آن چه می‌توان کرد؟ جدول زیر نشان دهنده سرانه مصرف برخی از اقلام و کالاها در ایران و مقایسه آن با میانگین مصرف جهانی است.

سرانه مصرف در ایران و جهان (واحد مصرف برای هر نفر)

نسبت	جهان	ایران	
ایران ۳ برابر جهان	۸۰۰	۲۵۰۰	برق مصرف سالیانه (کیلووات)
ایران ۲ برابر میانگین جهان	۱۵۰	۳۰۰	آب مصرف روزانه (لیتر)
ایران ۶ برابر میانگین جهان	۱۵	۹۰	بنزین مصرف ماهانه (لیتر)
ایران ۳ برابر میانگین جهان	۶۰۰	۱۷۰۰	گاز مصرف سالیانه (مترمکعب)
ایران ۶ برابر میانگین جهان	۲۵	۱۶۰	نان مصرف سالیانه (کیلوگرم)
ایران یک سوم اروپا	۳۰۰	۹۰	شیر مصرف سالیانه (کیلوگرم)
ایران ۴ برابر میانگین جهان	۱۰	۴۲	نوشابه مصرف سالیانه (لیتر)
ایران حدود یک سوم جهان	۱۸	۷	ماهی مصرف سالیانه (کیلوگرم)
ایران ۴ برابر میانگین جهان	۱۰	۴۰	زمان مکالمه با تلفن و تلفن همراه زمان مکالمه روزانه (دقیقه)

نسبت	جهان	ایران	
ایران یک سوم جهان	۲۴	۸	تخم مرغ مصرف سالانه (کیلوگرم)
ایران یک بیستم جهان	۱۰	۰/۵	سویا مصرف سالانه (کیلوگرم)
ایران شش برابر جهان	۵	۳۰	شکر مصرف سالانه (کیلوگرم)
ایران یک چهارم جهان	۱۲۰	۳۰	میوه و سبزی مصرف سالانه (کیلوگرم)
ایران دو برابر جهان	۳	۶	نمک مصرف روزانه (گرم)
ایران سه برابر جهان	۲	۶	دارو مصرف (قلم در نسخه)

منبع: مدیریت پژوهش خبری صدا و سیما - ۱۳۹۵/۴/۱۴

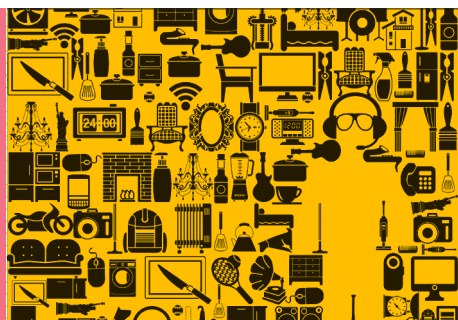
مصرف کردن، به معنای استفاده درست از کالاها و خدمات برای رفع نیازها و امیال انسانی است. در کنار پدیده مصرف، که یک امر طبیعی و عادی بوده و ادامه حیات انسانی به آن وابسته است، پدیده دیگری در برخی از افراد و جوامع وجود دارد که از آن، به «مصرف گرایی» تعبیر می شود. «مصرف گرایی» عبارت از میل و گرایش است، که براساس آن، افراد به دلایل مختلف، بیش از نیازهای واقعی خود، مصرف می کنند.



جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، روان‌شناسان و صاحب‌نظران فرهنگی، پدیده «مصرف گرایی» را به عنوان یک «مسئله» و آسیب فرهنگی و بیماری اجتماعی در عصر حاضر، مورد نقد و بررسی قرار داده و تجزیه و تحلیل کرده‌اند و در تلاش‌اند برای درمان آن چاره‌اندیشی کنند.

یکی از مشکلات فرهنگی جامعه ما، تأثیرپذیری از نظام اقتصادی سرمایه‌داری است که چرخه اقتصاد آن بر تولید انبوه و مصرف فراوان استوار است. شرکت‌های اقتصادی آنان، در رقابت با یکدیگر و برای جلب مشتری بیشتر، از ظرفیت دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها، برای تبلیغ مصرف کالای خود استفاده می‌کنند. با توجه به محدود بودن جمعیت و بازار کشورهای سرمایه‌داری، آنها تبلیغات خود را متمرکز بر کشورهای دیگر کرده‌اند و ذائقه مردم کشورهای دیگر را به سوی مصرف بیشتر سوق داده‌اند. ترویج «مدگرایی» و تقویت روحیه «تنوع‌طلبی» که منجر به افزایش مصرف غیرواقعی می‌شود، در سرلوحه فعالیت دستگاه‌های تبلیغی قرار دارد.

با گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغی، و نیز توسعه مراکز تولید و توزیع کالاها و خدمات تا دور افتاده‌ترین نقاط، و نیز توسعه شهرنشینی و تأسیس فروشگاه‌های بزرگ برای دسترسی آسان به کالاها و خدمات، مفاهیمی چون مدگرایی و مصرف گرایی، به عنوان «سبک زندگی نوین» مطرح شده و «هویت» افراد با میزان و نوع مصرف آنان، گره خورده است. علاوه بر این در بعضی از موارد، مصرف اجناس خارجی، یک ارزش و امتیاز اجتماعی قلمداد می‌شود.



تجزیه و تحلیل کنید

شعر زیر را بررسی کرده و تأثیر پیام‌های اقتصادی و فرهنگی آن را تجزیه و تحلیل نمایید.

صد برابر فزون کند پایه

نعمت ما به چشم همسایه

مرغ همسایه غاز می‌بیند^۱

چون به چشم نیاز می‌بیند

۱- رشید یاسمی به نقل از کتاب امثال و حکم دهخدا

♦ پس از جنگ جهانی دوم، دولت انگلستان، مالیات بر واردات محصولات کشاورزی را افزایش داد، به طوری که محصولات وارداتی، توان رقابت با تولیدات داخلی را نداشتند. در چنین شرایطی، مردم انگلستان تعصب خاصی در مصرف کالاهای تولید داخلی داشتند.

♦ پس از آنکه گاندی در هند، پارچه دستباف خود را بر تن کرد، چرخ ریسندگی نماد انقلاب مردم هند شد. بازرگانان هندی تمام پارچه‌های خارجی را به آتش کشیدند و در نتیجه، صنایع نساجی انگلستان که هند را مستعمره خود کرده بود ورشکسته شدند.

میزگرد فرهنگی

با بررسی و مقایسه جدول سرانه مصرف فست‌فود و لوازم آرایشی ایران و جهان، درباره دلایل فرهنگی، میزان مصرف آنها در ایران و نیز علل و روش‌های کاهش آن بحث و گفتگو کنید.



۲- اصلاح فرهنگ کار

کار، بخشی مهم از زندگی انسان است که در پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی انجام می‌شود. کار، موتور حرکت نظام‌های اقتصادی است و نقش تعیین‌کننده در حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد و صاحب‌نظران و اندیشمندان درباره آن دیدگاه‌ها و سخنان فراوانی بیان کرده‌اند.

ویل دورانت (۱۹۹۰):

«کار، اولین رکن تمدن‌های بزرگی است که ما در تاریخ می‌شناسیم.»



▲ ورزش کردن کارمندان ژاپنی برای افزایش بهره‌وری

فرهنگ کار در ایران، دارای چه نقاط قوتی است و با چه کاستی‌هایی روبه‌روست؟

«کار» به مجموعه تلاش‌های فکری، روحی و جسمانی انسان گفته می‌شود که هدف آن، تولید کالا و خدمات و تعالی بخشی به وجود آدمی است.

«فرهنگ کار»، مجموعه باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهایی است که مورد توافق افراد یک گروه یا جامعه بوده، مبنای تلاش

و رفتار شغلی آنان قرار می‌گیرد. فرهنگ کار، نقش بنیادی در ارتقای سطح پیشرفت و توسعه جامعه دارد و همانند هر موضوع فرهنگی دیگر، در فرایند اجتماعی شدن، توسط اعضای گروه پذیرفته و درونی می‌شود. یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت اقتصادی جوامع، فرهنگ کار و شایستگی‌های نیروی انسانی است. نیروی انسانی با انگیزه و مسئولیت‌پذیر، خلاق، دارای روحیه کار جمعی زمینه افزایش بازدهی منابع و رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. در فرهنگ دینی ما، کار و تلاش، همانند مجاهدت در راه خدا، ارزشمند و مقدس است و علاوه بر کارکرد اقتصادی آن، به عنوان یک روش تربیتی و عبادی، موجب کمال انسان، تقویت عزت نفس و فضائل اخلاقی می‌شود. در مقابل، بیکاری و کم‌کاری، تنبلی و تن پروری، سوءاستفاده از مال مردم و اموال عمومی، و سربار جامعه بودن ناپسند شمرده شده است.

علی‌رغم اینکه سابقه چند هزار ساله تلاش نیاکان ما برای عمران و آبادانی کشور، و نیز تأکید تعالیم آسمانی اسلام، حکایت از پویایی فرهنگی کار در ایران دارد. لیکن امروزه، فرهنگ کار در جامعه ما با برخی کاستی‌ها روبه‌روست. گسترش روحیه مادی‌گرایی، اتکا به درآمدهای نفتی، دولتی شدن اقتصادی، ترجیح منافع فردی بر منافع و مصالح ملی و... از جمله اموری است که فرهنگ کار را آسیب‌پذیر کرده است و باعث کاهش تولید، افزایش مصرف، پایین بودن بهره‌وری و بالا بودن نرخ بیکاری شده است.

برای اصلاح فرهنگ کار در جامعه، نهاد خانواده و نهادهای آموزشی و فرهنگی، نقش اساسی برعهده دارند. آنها با ارزشمند شمردن کار و کارگر، تقویت کار گروهی، مقابله با تنبلی و کم‌کاری، باور به کسب روزی حلال، تقویت روحیه خطرپذیری و کارآفرینی، تقبیح قاچاق، رشوه و رانت‌خواری و... می‌توانند این فرهنگ را در جامعه، نهادینه سازند و زمینه رشد و تعالی کشور را فراهم آورند.

بررسی کنید

حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از منظر فرهنگ اقتصادی و با رویکرد فرهنگی، تجزیه و تحلیل نمایید.

قال الرسول صلی الله علیه و آله و سلم

المؤمن قلیل المؤمنه و کثیر المَعُونه

مؤمن، هزینه و زحمتش اندک و کمک و یاریش بسیار است.

بحار الانوار، ۶۷/۳۱۱



۳- گسترش فرهنگ کارآفرینی



به نظر شما در آینده چه مشاغلی از رونق خواهند افتاد و چه مشاغلی رونق بیشتری پیدا خواهند کرد؟ ویژگی‌های فرهنگ کار در آینده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در دنیای پر رقابت امروز، پیشرفت و استقلال کشورها، تنها به سرمایه، امکانات مادی و فناوری وابسته نیست، بلکه به انسان‌های خلاق، توانمند و کارآفرین، وابسته است.

«کارآفرینی»، فرایند خلق چیزی نو، از طریق برنامه‌ریزی و عقلانیت و با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات احتمالی، برای کسب منافع مادی و معنوی، رضایت شخصی و استقلال مالی می‌باشد.

«کارآفرین»، کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند. او دارای ایده نو و جدید است، با تلاش فراوان و قبول مخاطره، محصول یا خدمات جدیدی را به جامعه ارائه می‌دهد. از ویژگی‌های کارآفرینان، خلق فرصت‌های جدید شغلی، عدم اتکای صرف به دولت و مشاغل دولتی و ریسک‌پذیری می‌باشد. کشورهایی که فاقد روحیه و مهارت کارآفرینی هستند، به مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات سایر کشورها تبدیل خواهند شد و از کاروان توسعه باز خواهند ماند. آسیب‌دیدگی فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه ما، دستیابی به توسعه و پیشرفت را با مشکل روبه‌رو کرده و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های مادی و معنوی کشور، به‌ویژه توانمندی‌های نیروی انسانی جوان و خلاق را، آسیب‌پذیر نموده است.

از جمله‌اموری که به گسترش و تقویت «فرهنگ کارآفرینی» کمک خواهد کرد، عبارت‌اند از: گسترش روحیه پرسشگری و خلاقیت، تقویت اعتماد به نفس و شهامت تصمیم‌گیری، حمایت مادی و معنوی از افراد نوآور و خلاق، کاهش هزینه‌های ریسک و مخاطره، اصلاح نظام‌های مالی و اداری حاکم در جامعه، رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان.

داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل اقتصاد می‌گوید:



«اگر می‌خواهید بدانید کشوری توسعه می‌یابد یا نه، اصلاً سراغ فناوری، کارخانه و ابزاری که استفاده می‌کنند نروید، اینها را به راحتی می‌توان خرید و یا کپی کرد! برای دیدن توسعه، بروید دبستان‌ها و مراکز پیش‌دبستانی را ببینید که آنجا چگونه بچه‌ها را آموزش

می‌دهند! مهم نیست چه چیزی آموزش می‌دهند، ببینید چگونه آموزش می‌دهند. اگر کودکان شما را پرسشگر، خلاق، صبور، نظم‌پذیر، خطرپذیر، دارای روحیه گفت‌وگو و تعامل، دارای



روحیه مشارکت جمعی و همکاری، بار می آورند، بدانید که این انسان ها، در آینده شخصیت هایی خواهند شد که جامعه را پیشرفت خواهند داد».

اقتصاد مقاومتی، برنامه راهبردی برای اصلاح فرهنگ اقتصادی

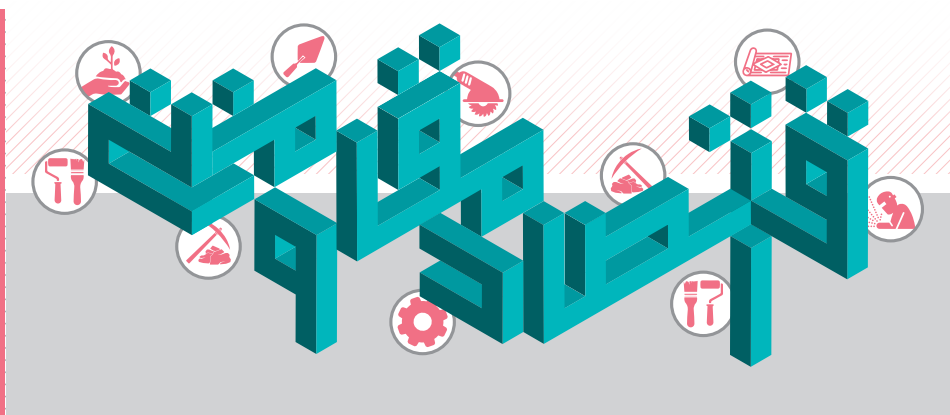
دانش آموزان عزیز، حتماً عنوان «اقتصاد مقاومتی» را شنیده اید، به نظر شما اجرای این برنامه اقتصادی،

به چه ویژگی های فرهنگی نیاز دارد؟

کشور ایران در مسیر تحقق اهداف خود، با موانع درونی و بیرونی روبه رو است. از جمله موانعی که کشورهای سلطه گر برای بازدارندگی جامعه اسلامی به کار گرفته اند، برنامه ها و تحریم های اقتصادی است. نظام سلطه، با هدف جلوگیری از پیشرفت و توسعه کشور و فراهم آوردن زمینه وابستگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، محدودیت ها و تحریم های چندجانبه علیه ما تدارک دیده است. ایجاد محدودیت در مبادلات ارزی و بانکی، فروش نفت، واردات و صادرات، دستیابی به فناوری های پیشرفته، جلوگیری از سرمایه گذاری خارجی ... از جمله تحریم های امپریالیسم اقتصادی است.

متقابلاً برای دستیابی به پیشرفت و توسعه پایدار و همه جانبه و خنثی نمودن تحریم های اقتصادی، طرح ها و برنامه هایی از سوی مسئولان کشور تدوین شده است که یکی از آنها، سیاست «اقتصاد مقاومتی» می باشد. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، با توجه به استعداد های سرشار معنوی و مادی و ذخایر و منابع غنی و متنوع کشور، بر خور داری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ، تدوین و توسط مقام معظم رهبری برای اجرا ابلاغ شده است. این مجموعه در ۲۴ بند، شامل راهبردها و تدابیر اقتصادی است.

طراحی برنامه برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی، بدون اتکا به قدرت های سلطه گر و متناسب با آرمان های ملی، اقدامی شجاعانه و در عین حال دشوار بوده و نیازمند تدبیر و برنامه ریزی دقیق و فرهنگ مناسب است و مشارکت و همراهی تمام احاد جامعه را می طلبد حفظ وحدت و انسجام ملی، باور به توانمندی ها، منابع و امکانات خود، پایداری و مقاومت در برابر فشارها، کار و تلاش مضاعف، مصرف کالاهای ایرانی، می تواند تحریم های نظام سلطه را خنثی سازد.



برخی از سیاست‌های ملی اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

۳- محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.

۵- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۶- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان.

- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

۷- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۸- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۹- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

- ۱۰- شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در حوزه های پولی، تجاری، ارزی و... .
- ۱۱- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.
- ۱۲- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.
- ۱۳- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

بررسی کنید



از مفاهیم اصلی سیاست های اقتصاد مقاومتی، می توان به «اقتصاد دانش بنیان»، «کارآفرینی و مهارت آموزی»، «مردمی کردن اقتصاد»، «مصرف تولیدات و کالاهای داخلی توسط مردم و دولت»، اشاره کرد.

مفاهیم فوق را بررسی کنید و ضمن بیان معنای هر کدام، توضیح دهید که این مفاهیم، چگونه می توانند اقتصاد ایران را مقاوم کنند و به چه ویژگی های فرهنگی نیاز دارند؟



درس دوم

فرهنگ و اخلاق



به نظر شما، بین فرهنگ و اخلاق چه رابطه‌ای وجود دارد؟ مسائل اخلاقی جامعه ما کدام‌اند؟ ریشه‌های فرهنگی مسائل اخلاقی جامعه چیست و برای درمان آنها چه می‌توان کرد؟

♦ رابطه فرهنگ و اخلاق



اخلاق به معنای خلق و خوی انسان است که در وجود او به صورت پایدار و ملکه نفسانی درآمده و موجب بروز رفتارها و کنش‌های خوب یا بد می‌شود. اخلاق، قدمتی به درازی تاریخ بشر دارد و با مفهوم ارزش‌های فردی و اجتماعی درآمیخته است. فرهنگ هر جامعه، بر پایه باورها و ارزش‌های آن استوار است، بنابراین هیچ جامعه‌ای نیست که فاقد ارزش‌های اخلاقی باشد.

اخلاق را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ دانست که دارای امور ثابت و متغیر است. برخی اصول و ارزش‌های اخلاقی، که ریشه در فطرت انسانی و عقلانیت دارند، در تمام فرهنگ‌ها، مشترک و ثابت هستند، مانند راستگویی، آزادی، عدالت‌خواهی، و برخی از ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی در جوامع گوناگون، متفاوت است، مانند روش احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها و نحوه میهمان‌نوازی.

رعایت اخلاق و مناسبات اخلاقی، یکی از پایه‌های بنیادین زندگی، ایجاد آرامش و نظم اجتماعی است. پیمودن راه دشوار زندگی و دستیابی به پیشرفت و توسعه، بدون رعایت اخلاق و ارزش‌های آن امکان‌پذیر نیست و متزلزل شدن پایه‌های اخلاق، جامعه را با خطر فروپاشی روبه‌رو می‌سازد. انحطاط اخلاقی، به آرامی و به تدریج مانند موربانه، ستون‌های فرهنگ جامعه را از درون تهی می‌سازد و جامعه را از بین می‌برد.

پشتوانه و ضمانت اجرای اخلاق در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. در فرهنگ‌های غیردینی، قراردادهای اجتماعی، ضمانت اجرایی اخلاق است که بین انسان‌ها توافق شده و اعتبار آن را از انسان می‌گیرد. لیکن در مکاتب الهی، اخلاق، ریشه در باورهای دینی و فطری داشته و از پشتوانه درونی و ارتباط انسان با خداوند برخوردار است. اخلاق مبتنی بر دین، از ضمانت درونی، برای پذیرش و اجرا، برخوردار است و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. یکی از کارکردهای اصلی دین اسلام، کارکرد اخلاقی آن است، و رعایت اصول و موازین اخلاقی در این مکتب، دارای جایگاهی رفیع و والا می‌باشد، به گونه‌ای که اخلاق جزء لاینفک و جدایی‌ناپذیر دین محسوب می‌شود.

در این مکتب، اخلاق تکلیف محور بوده و مناسبات انسان با مجموعه هستی، با هدف قرب الهی صورت می‌گیرد و رعایت اخلاق، در هر شرایطی، لازم است.

این مناسبات به چهار گروه به شرح زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- تکالیف و تعهد انسان نسبت به خودش (خود)
- ۲- تکالیف و تعهد انسان نسبت به خداوند (خالق)
- ۳- تکالیف و تعهد انسان نسبت به دیگران (خلق)
- ۴- تکالیف و تعهد انسان نسبت به طبیعت (خلقت)



▲ کمک‌کردن به نایب‌نیاان

در این ارتباطات چهارگانه، رابطه با خدا، محوریت دارد و سه رابطه دیگر، ذیل آن و متناسب با آن شکل می گیرد. در نتیجه رعایت اصول و ارزش های اخلاقی، پایدار، درونی و همه جانبه است.

اخلاق از منظر سقراط و ارسطو و فارابی

به نظر سقراط، تیره بختی انسان، حاصل نادانی اوست. بزرگ ترین فضیلت «دانایی» است و اشتباهات آدمی از نادانی او سرچشمه می گیرد. اگر کسی واقعاً بداند که امری بد است هرگز به سوی آن نمی رود. فضیلت چیزی جز دانش، حکمت و خردمندی نیست و فضایل عبارت اند از: شجاعت، عفت، عدالت و خداپرستی. سقراط باور دارد، برای آراستگی به این فضیلت ها و رسیدن

به سعادت بایستی گوش به فرمان خرد داشت و از دستورهای عقل پیروی نمود.

از منظر ارسطو نیز، رمز موفقیت و راز نیک بختی در «میانه روی» یعنی رعایت حد وسط است. وی بر این باور بود که افراط و تفریط پسندیده نیست، فضیلت در رعایت حد وسط است و عدالت در معنای گسترده آن چیزی نیست جز میانه روی. بنابراین، از نظر ارسطو برای اینکه انسان ها به سعادت نائل شوند باید معتدلاته عمل کنند.

اندیشمندان مسلمان نیز تعاریف و معیارهایی را برای اخلاق مطرح کرده اند. فارابی از جمله این عالمان است که اخلاق را رکن زندگی فردی و اجتماعی و یکی از ارکان اصلی مدینه فاضله می داند. در دیدگاه او، علاوه بر خرد و عقلانیت، که اساس اندیشه ارسطو در تحقق اخلاق است، وحی و فطرت نیز عامل تعیین کننده در تشخیص خوبی ها و بدی ها و گرایش به عمل اخلاقی محسوب می شود.



تجزیه و تحلیل کنید

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» من برای کامل کردن فضائل اخلاقی مبعوث شده ام.
را، از منظر فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.



مسائل اخلاقی جامعه ایران

شما گاهی اخبار تأسف انگیزی از آسیب های اجتماعی و اخلاقی در ایران و جهان می شنوید. گاهی در محل زندگی خود شاهد بی اخلاقی های فردی و جمعی هستید، به نظر شما ریشه این مسائل چیست؟ و چه باید کرد؟



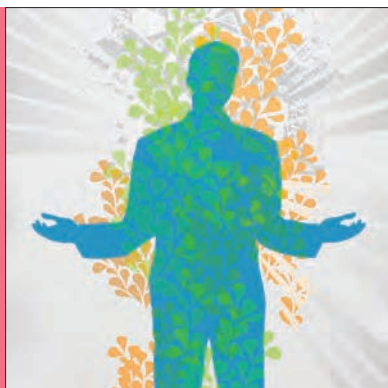
▲ مرگ تدریجی یک رودخانه در اثر آلوده کردن محیط زیست

همچنان که در درس قبل آموختید، یکی از ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، اخلاق مداری و رعایت اصول و موازین اخلاقی در طول تاریخ بوده است. نوع دوستی، نجابت، سخاوت، عدالت خواهی، فداکاری در راه عقیده، تساهل و مدارا، از ویژگی‌های اخلاقی ما ایرانیان است.

علی‌رغم این ویژگی‌های مثبت و فضائل اخلاقی، امروزه جامعه ما از برخی کاستی‌ها و آسیب‌ها نیز رنج می‌برد. ریشه این کاستی‌ها را می‌توان در ناتوانی برای درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی، فرایند جهانی شدن و سرعت تغییرات اجتماعی و تحولات فرهنگی جستجو کرد که باعث تأخر فرهنگی و عدم همخوانی فرهنگ جامعه با تغییرات و تحولات شده است. برخی از آسیب‌ها و مسائل اخلاقی جامعه ما عبارت‌اند از:

۱- کاهش صداقت و اعتماد اجتماعی

بنیان اخلاق و جامعه اخلاقی بر صداقت، راستی و راست‌گویی استوار است. در پرتوی این فضیلت اخلاقی، انسان‌ها به هم اعتماد کرده و انسجام و همبستگی اجتماعی فزونی می‌یابد و روابط انسانی سالم شکل می‌گیرد. از همین رو در مکتب تربیتی اسلام، صداقت و راست‌گویی عامل رستگاری در دنیا و آخرت شمرده شده است.^۱ متقابلاً یکی از صفات ناپسندی که برخی از انسان‌ها به آن مبتلا هستند، دروغ گفتن و عدم صداقت در رفتار و گفتار است. این رفتار زشت، ریشه در ضعف نفس، ترس



و زبونی انسان دارد و اعتبار و حیثیت فرد دروغ‌گو را در بین مردم و جامعه از بین می‌برد. پژوهش‌ها و مشاهدات، نشان از شیوع این بیماری اخلاقی در بین برخی از افراد جامعه ما دارد. آنها، برای دستیابی آسان به منافع شخصی یا رسیدن به موقعیت و پایگاه اجتماعی و تصاحب قدرت و ثروت، به دروغ و دروغ‌گویی متوسل می‌شوند و با زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی، سعی در فریب خود و دیگران دارند. ممکن است در کوتاه مدت، این افراد به منافع دست یابند، لیکن در درازمدت آنها و جامعه، زیان جبران‌ناپذیری خواهند کرد. زیرا فریب، دروغ و دروغ‌گویی، ریشه بسیاری از مفسدات اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی است. امام حسن عسکری (ع) می‌فرمایند:

«جَعَلَتِ الْخَبَائِثُ كُلَّهَا فِي بَيْتٍ وَاحِدٍ وَ جَعَلَ مِفْتَاحَهَا، الْكَذِبُ»^۲

تمام ناپاک‌ی‌ها و پلیدی‌ها در یک خانه است که کلید آن، دروغ است.

۱- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ص ۲۹۸

۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۴۱



- ۱- اعتماد متقابل مردم به یکدیگر و اعتماد متقابل دولت و مردم چگونه تقویت می شود؟ چه عواملی به اعتماد ملی آسیب می زند؟
- ۲- مسئله «اعتماد ملی» را از منظر فرهنگی بررسی کرده و نقش صداقت و راستگویی در آن را تبیین نمایید.

۲- آسیب های اخلاق شهروندی



کلمه «شهروند» مفهوم جدیدی است که بیانگر هویت اجتماعی انسان ها بوده و به تمام افرادی که تابعیت یک کشور را دارند، اطلاق می شود. شهروندی به معنای استقرار فیزیکی افراد در یک شهر نیست و شامل حال تمام آحاد جامعه فارغ از رنگ، نژاد، قومیت، طبقه و مذهب می شود.

«اخلاق شهروندی» مجموعه ای از مبانی، معیارها، ارزش ها و هنجارهایی است که

بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است. اخلاق شهروندی، باعث رعایت حقوق فردی و اجتماعی، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، احساس مسئولیت نسبت به هموعان، ادای تکلیف نسبت به دیگران و ترجیح منافع جمعی و ملی بر منافع فردی می شود.

در عصر حاضر، تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تغییرات گسترده و عمیقی را در سبک زندگی مردم، به خصوص ساکنان شهرهای بزرگ، به وجود آورده است و هویت فرهنگی شهروندان را دستخوش تغییر و تحول کرده است. گسترش شهرنشینی، مهاجرت های بی رویه، گسترش حاشیه نشینی و شهرک های اقماری، افزایش بیکاری، توسعه آپارتمان نشینی، عدم آموزش افراد برای زندگی در شهرها و محیط های بزرگ و پر جمعیت، باعث بیگانگی افراد نسبت به خود، دیگران و محیط شده و در نتیجه آسیب دیدگی اخلاق شهروندی را به بار آورده است.

آسیب های اخلاق شهروندی می تواند بر شکوفایی استعداد های انسانی و روند توسعه عمومی کشور تأثیر منفی بگذارد و سلامت و آرامش فرد و جامعه را به خطر بیندازد.

زیستن در محیط غریبه و با غریبه ها، نیازمند پذیرش تنوع فرهنگی و برخورداری از روحیه مدارای اخلاقی و مسئولیت پذیری اجتماعی است تا افراد بتوانند ضمن بهره مندی از حق خود، حقوق دیگران را نیز به رسمیت بشناسند و تکلیف خویش را در برابر دیگران و محیط، براساس ارزش های اخلاقی انجام دهند.

متناسب با شرایط جامعه ایران برخی از راهکارهای اصلاح اخلاق شهروندی عبارت‌اند از:

۱- گسترش آموزش‌های اخلاقی در خانواده و نظام‌های آموزشی برای تربیت شهروندان متخلق به اخلاق اسلامی

۲- حاکم ساختن ارزش‌های اخلاقی در جامعه و در تمام مناسبات فردی و گروهی

۳- نقش‌آفرینی نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی

۴- رعایت اصول ارزشی و اخلاقی در طراحی و اجرای برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

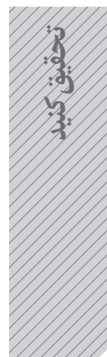
۵- استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ها و ابزارهای آموزشی، فرهنگی و هنری برای آشنایی بیشتر شهروندان با حقوق و تکالیف خود و التزام عملی به رعایت آنها

۶- توانمندسازی اخلاقی شهروندان با ویژگی‌هایی مانند روحیه صبر، تحمل و مدارا، شناخت خود، نوع دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، برای مواجهه با محیط پرتلاطم و پرشتاب جامعه



بررسی و تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید:

یک مدرسه یا بنای خیرساز یا موقوفه
را در منطقه یا شهرستان محل سکونت
خود شناسایی کنید. در مورد انگیزه و
اهداف فرد سازنده تحقیق کنید. اقدام
و الگوی اخلاقی وی، چه تأثیری بر روی دانش‌آموزان یا سایر افراد و فرهنگ جامعه بر جای
گذاشته است؟



۳- اخلاق در فضای مجازی

فضای مجازی، نوع و شکل جدیدی از روابط اجتماعی و فضای فرهنگی است. گسترش سریع فناوری‌های نوین و حضور افراد در فضای مجازی و شبکه‌ای، فرصت‌های فراوانی، مانند: گسترش و سرعت مبادله اطلاعات، تقویت مناسبات اجتماعی، رشد اقتصادی و... به وجود آورده است.

لیکن علی‌رغم این فرصت‌ها، فضای مجازی با تهدیدها و پیامدهای منفی فرهنگی و اخلاقی نیز روبه‌روست. پیدایش اصطلاحاتی نظیر اخلاق رایانه‌ای، اخلاق اینترنتی و اخلاق شبکه‌ای، دلالت بر گستردگی و اهمیت این موضوع دارد و بیانگر مسائل اخلاقی و آسیب‌های فرهنگی است که جامعه بشری با آن روبه‌رو شده است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی، دنیای جدیدی را فراوری انسان قرار داده است و سبب شده تا برخی از افراد با پنهان کردن هویت واقعی خویش، «هویت مجازی» برای خود خلق کنند و به دلیل ناشناس و غریبه



بودن و بدون رعایت آداب و اصول اخلاقی، کنش‌های غیراخلاقی بروز دهند. رفتارهای غیراخلاقی نظیر ورود به حریم خصوصی افراد، هرزه‌نگاری سایبری، عدم رعایت مالکیت معنوی، نشر مطالب دروغ و تهمت و جرائم سایبری، نشانگر عدم رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در فضای مجازی می‌باشد.

به دلیل وسعت و گسترش آسیب‌های اخلاقی در فضای مجازی، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مدنی، قوانین و مقررات بازدارنده تدوین کرده‌اند و با ایجاد زیرساخت‌ها و شبکه‌های امن، درصدد مقابله با مفاسد اخلاقی و سوداگران منفعت‌طلب در فضای مجازی می‌باشند.

در اخلاق اسلامی، بر رعایت تقوی و «خویش‌تن‌بانی» و تقویت «مصونیت» در برابر هجمه‌های فرهنگی و اخلاقی تأکید شده و با ناظر دانستن خداوند در همه حال و در زندگی واقعی و فضای مجازی، زمینه زیست سالم و بانشاط فراهم آمده است.

یکی از راهبردهای مؤثر برای حضور فعال و مؤثر در فضای مجازی پابندی نظری و عملی به آیه شریفه ۱۴ سوره علق در زندگی واقعی و دنیای مجازی می‌باشد که خداوند می‌فرماید:

اَلَمْ يَعْلَم بِاَنَّ اللّٰهَ يَرٰی

آیا (انسان) نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟

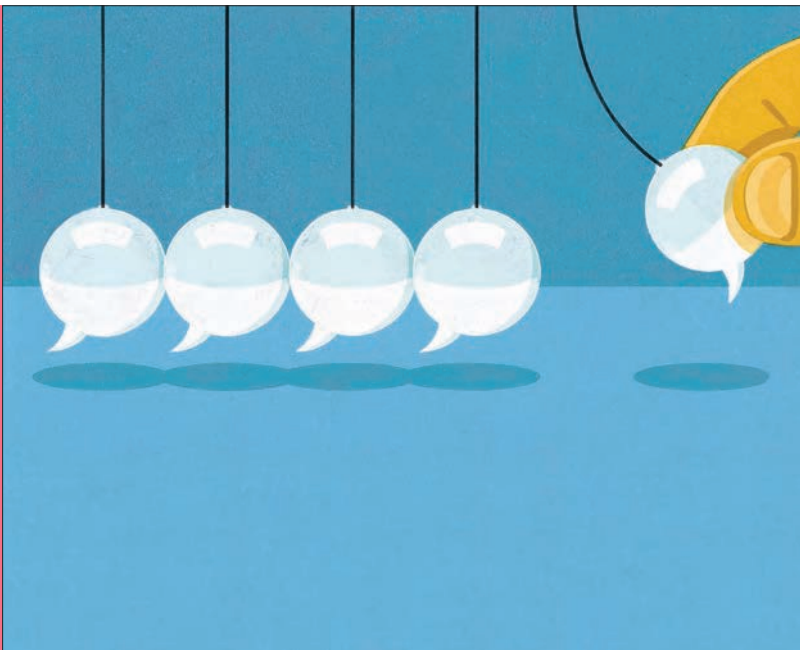
آیه ۱۹ از سوره نور را از منظر فرهنگی تجزیه و تحلیل کرده و پیام‌های اخلاقی آن در زندگی واقعی و دنیای مجازی را تبیین نمایید:

اِنَّ الَّذِیْنَ یُحِبُّوْنَ اَنْ تَشِیْعَ الْفَاحِشَةُ فِی الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَاللّٰهُ یَعْلَمُ وَ اَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ



مطالعه و تحقیق کنید

به چند گروه تقسیم شده و هر یک از گروه‌ها به انتخاب خود و راهنمایی دبیر محترم، چند مسئله اخلاقی جامعه را شناسایی کرده و با تجزیه و تحلیل آنها، درباره روش‌های درمان و اصلاح فرهنگ جامعه گفتگو کنید.



با توجه به تغییرات و تحولات فرهنگی که در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد، واکنش ما به آنها، چگونه باید باشد؟ با کدام شاخص‌های فرهنگی، می‌توان دگرگونی‌های فرهنگی را پذیرفت یا رد کرد؟

عوامل دگرگونی‌های فرهنگی

همان‌گونه که آموختید، سرنوشت جوامع، با دگرگونی‌های فرهنگی همراه است و همه‌ما در طول زندگی خود، تغییرات فراوانی را تجربه کرده‌ایم. می‌توان گفت تغییرات و تحولات فرهنگی، یک امر طبیعی و یک واقعیت اجتماعی است و همه‌جوامع، آن را تجربه می‌کنند. فرهنگ در عین حال که از جهاتی دارای ثبات، تداوم و پیوستگی است، از جهاتی دیگر، همواره در معرض برخی تغییرات و تحولات قرار دارد.

در زمان‌های گذشته دگرگونی‌های فرهنگی، به‌صورت آرام و کند، انجام می‌شده است، لیکن در عصر حاضر، به‌دلیل پیدایش و گسترش سریع رسانه‌ها و فناوری، به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی، اطلاعاتی و شبکه‌های مجازی، سرعت دگرگونی‌های فرهنگی بسیار بالاست و تغییرات و تحولات، در زمانی کوتاه، تمام عرصه‌های درونی و بیرونی جامعه را در بر می‌گیرد. پدیده‌ی جهانی شدن، بر سرعت و عمق این دگرگونی‌ها افزوده و شرایط را برای پذیرش تغییرات و تحولات فرهنگی، آسان و فراگیر کرده است.

پدیده‌های جدید و نوظهور، هریک به‌طریقی در زندگی ما خودنمایی می‌کنند. بازی‌های جدید رایانه‌ای، فناوری‌های نوین ارتباطی، سبک جدید زندگی، تحولات هویتی و قومی، روش‌های نوین برگزاری مراسم جشن‌ها یا عزاداری‌ها، برنامه‌های جدید تلویزیونی و ماهواره‌ای، مکاتب فکری و معنوی و ده‌ها پدیده نوظهور دیگر، در زندگی روزانه‌ما وجود دارند. تغییر در سطح عمیق فرهنگ می‌تواند به تحول در لایه‌های بیرونی فرهنگ منتهی شود و تحول در لایه‌های بیرونی، زمینه تغییر در لایه درونی را فراهم می‌آورد.

با این پدیده‌های جدید و دگرگونی‌های فرهنگی، چه باید کرد؟ نسبت به آنها چه واکنشی باید نشان داد؟



با مطالعه تفاسیر قرآن کریم، آیه ۱۱ سوره رعد را از منظر فرهنگی، بررسی کرده و پیام‌های مرتبط با موضوع «ما و دگرگونی‌های فرهنگی» را استخراج نمایید.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»



واکنش انسان‌ها به دگرگونی‌های فرهنگی

واکنش انسان‌ها به دگرگونی‌های فرهنگی یکسان نیست. معمولاً افراد در برابر تغییرات در لایه‌های سطحی و مشهود فرهنگ، کمتر مقاومت کرده و راحت‌تر و سریع‌تر آنها را می‌پذیرند، اما در برابر تحولات در لایه‌های زیرین مقاومت کرده و آن‌را سخت‌تر می‌پذیرند.

واکنش انسان‌ها در برابر دگرگونی‌های فرهنگی سه‌گونه است:

۱- **عدم پذیرش:** در این حالت، برخی از افراد با نادیده گرفتن نیازها و شرایط جدید محیطی و تغییر و تحولات متناسب با آنها، ضمن پافشاری بر فرهنگ و آداب و رسوم ناکارآمد گذشته خود، دگرگونی‌های فرهنگی را انکار و طرد می‌کنند و در برابر آنها ایستادگی و مقاومت می‌نمایند. این گروه، بسیار بیش از آنچه که خود به آن آگاهی داشته باشند، در «گذشته» زندگی می‌کنند و واقعیت‌های موجود و جدید را، با تجربه‌های گذشته خود، تجزیه و تحلیل می‌نمایند. این اشخاص، با دنباله‌روی از آداب و رسوم ناکارآمد، مسیر زندگی امروز و فردای خود را تعیین می‌کنند. آنها، گاهی حتی از فناوری‌های جدید و دستاوردهای نوین علمی و پژوهشی استفاده نکرده و بر بهره‌گیری از وسایل و روش‌های قدیم، علی‌رغم عدم توجیه علمی و عقلانی، اصرار دارند.

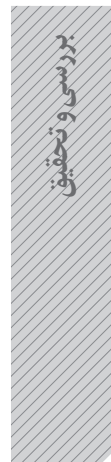
علل عدم پذیرش دگرگونی‌های فرهنگی و مقاومت غیرعقلانی در برابر تغییر، متعدد و متنوع است. عدم درک ضرورت تغییر و چگونگی آن، تبعیت از آداب و رسوم غلط و ناکارآمد، «عادت» به وضع موجود و «ترس» از تغییر و از دست دادن شرایط و امکانات فعلی، از جمله این دلایل است.

۲- **پذیرش کامل:** گروهی از افراد، در برخورد با دگرگونی‌های فرهنگی، آنها را بی‌چون و چرا و به‌صورت کامل می‌پذیرند و با تغییرات و تحولات، همراه می‌شوند. آنها با پیروی و تبعیت افراطی از پدیده‌ها و اندیشه‌های جدید، فرهنگ قبلی خویش را به آسانی به کنار می‌نهند. این حالت بیشتر در تهاجم فرهنگی، اتفاق می‌افتد که نیروهای مهاجم با القابات منفی و با تضعیف و تخریب هویت فرهنگی جوامع و جذاب نشان دادن فرهنگ خویش، سعی در قابل جذب و پذیرش نشان دادن فرهنگ خود نموده‌اند.

علت پذیرش بی‌چون و چرا و تبعیت کامل از فرهنگ دیگران، معمولاً، ضعف هویت، خودباختگی یا از خودبیگانگی فرهنگی است. چنین افرادی، ارزش‌ها و هنجارهای خود را بی‌اعتبار و ناچیز می‌شمارند و الگوها و ارزش‌های دیگران را کامل و آرمانی می‌پندارند، به همین جهت بدون تفکر، از آنها پیروی می‌نمایند. در قرن نوزدهم و در مواجهه تمدن غرب با سایر کشورها، این روش از سوی برخی از منورالفکرها و روشنفکران ایرانی، تبلیغ و ترویج می‌شد. آنان معتقد بودند از فرق سر تا نوک پا باید غربی شد تا به پیشرفت و توسعه دست پیدا کرد. آنان با نگاه منفی به میراث فرهنگی خویش و تحقیر آن، شیفته و مرعوب فرهنگ و تمدن غرب شده بودند.

«مسئله» زیر را بررسی و در کلاس گفتگو کنید:

گاهی برخی از افراد، در تغییر ظاهر خود و سبک زندگی خویش، حتی از غربیان نیز، غربی‌تر عمل می‌کنند، ولی فقط در تبعیت از سبک زندگی این شیوه را بر می‌گزینند اما در پذیرش و ترویج دستاوردها و ارزش‌های مثبت فرهنگ غرب در جامعه کوتاهی می‌کنند. آنان وسیله نقلیه صد سال پیش خود را که درشکه بود، با ماشین آخرین مدل غربی عوض کرده‌اند، و از سونا، جکوزی، تلفن همراه، اینترنت و آخرین نمونه‌ها استفاده می‌کنند، اما از نظم و انضباط و انتقادپذیری تبعیت نمی‌کنند، در کار و زندگی یکدیگر دخالت می‌کنند، عقاید دیگران را تحمل نمی‌کنند و سخت‌کوشی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتری دارند. تفکر علمی و منطقی را در زندگی فردی و اجتماعی خود حاکم نمی‌کنند، علت این تناقض در رفتارها چیست؟



۳- پذیرش و تعامل آگاهانه: در این حالت، افراد جامعه ضمن پذیرش و اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی خویش و ضرورت حفظ آنها، برخورد فعال و هوشمندانه با سایر فرهنگ‌ها دارند و سعی می‌کنند با «پالایش» فرهنگ دیگری، از یافته‌ها و تجربیات آنان، برای ارتقا و پویایی فرهنگ خویش استفاده نمایند و همچنین «داشته‌های» خود را در اختیار دیگران قرار دهند.

این گروه معتقدند، فرهنگ و تمدن، محصول تلاش جمعی آدمیان است و ملت‌ها و اقوام مختلف، هریک به سهم خویش، در پیدایش و پویایی فرهنگ و تمدن ایفای نقش کرده‌اند. لذا می‌توان، با این میراث بشری، تعامل داشته و آگاهانه از آن بهره برد. تعامل آگاهانه بیشتر در تبادل فرهنگی اتفاق می‌افتد. تعامل آگاهانه از یک سو، از تحجر و واپس‌ماندگی و عقب‌افتادگی فرهنگی جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، مانع از خودبیگانگی، خودباختگی و التقاط فرهنگی در برابر تغییرات و تحولات می‌شود و زمینه رشد و پویایی فرهنگ خودی را متناسب با شرایط زمان فراهم می‌آورد و به نشر موارث فرهنگی می‌انجامد.

بسیاری از فرهیختگان و روشنفکران دلسوز و آگاه، در مواجهه با تمدن غرب، این روش را انتخاب کرده‌اند و سعی نموده‌اند در دام «غرب‌زدگی»، «غرب‌ستیزی» و «خودباختگی» قرار نگیرند.

یکی از دلایل اساسی شناخت دگرگونی‌های فرهنگی و تعامل آگاهانه با آنها، ضرورت «شناخت زمان» و اقتضائات آن است. به همین دلیل از توصیه‌های مهم دین جهانی اسلام، «شناخت زمان» و شرایط زمانی، و واکنش مناسب نشان دادن به نیازهای زمان و مکان می‌باشد. هر «زمان» ویژگی‌هایی دارد که باید آنها را شناخت و در «زمان» زندگی کرد. امام صادق (ع) فرمودند: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ؛ کسی که زمان خود را می‌شناسد شبهات و مشکلات به او هجوم نمی‌آورند»^۱.

اجتهاد پیوسته و پویا یکی از راه‌های مؤثر دینی برای گزینش آگاهانه و پاسخ صحیح به نیازهای متغیر و اقتضائات زمان است. مجتهد زمان‌شناس می‌تواند پدیده‌ها و تجربه‌های جدید را با معیارهای ثابت ارزیابی کند و آن دسته از تجربه‌ها را که منطبق با خرد و معیارهای ثابت دینی است، گزینش نماید و مانع ایستایی و رکود جوامع دینی شود.

بررسی و گفتگو کنید



- ۱- نقش ائمه معصومین (ع) پس از پیامبر اکرم (ص)، در تبیین مسائل جدید و سازگار نمودن معارف اسلامی و فرهنگ دینی، با شرایط و اقتضائات زمان، چگونه بوده است؟
- ۲- در دوره طلایی تمدن اسلامی (قرن چهارم و پنجم هجری) واکنش مسلمانان در مواجهه با فرهنگ یونان و روم چگونه بوده است؟

معیارهای «پذیرش و تعامل آگاهانه»

هریک از ما در زندگی روزمره خود با گزینه‌های مختلفی روبه‌رو هستیم که باید از میان آنها «انتخاب» کنیم. روش و سبک زندگی ما، براساس این «انتخاب‌ها» استوار است. دوستی با یک فرد، انتخاب مدل جدید لباس، شرکت در یک مهمانی، کوه‌پیمایی، وب‌گردی، انتشار و به اشتراک گذاری پیام در فضای مجازی، تماشای فیلم سینمایی، خواندن یک کتاب داستان یا رمان، خرید مواد غذایی، شرکت در نماز جماعت و ده‌ها فعالیت مشابه دیگر، اقداماتی است که هر روز با آنها روبه‌رو می‌شویم و باید درباره انجام دادن یا ندادن، قبول یا رد آنها، تصمیم بگیریم. تفاوت سبک زندگی افراد، در نوع «انتخاب» و «گزینش» آنهاست.

در رویارویی با پدیده‌های جدید و تحولات فرهنگی هم، باید دست به انتخاب بزنیم. مهارت گزینش‌گری و توانایی «درست انتخاب کردن» در عصر حاضر، از آن جهت مهم است که هر روز با پدیده‌های

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶

نوظهور و نیازهای جدید روبه‌رو هستیم. زندگی در دنیای ارتباطات و در شبکه‌های مجازی و نیز سرعت تولید و انتشار اطلاعات، مبادلات و تعاملات فرهنگی را تسهیل و تسریع کرده است. علاوه بر آن، دوران نوجوانی و جوانی، دوران «هویت‌یابی» و انتخاب چشم‌انداز برای آینده است و انتخاب‌های امروز ما، در شکل‌گیری هویت ما تأثیر فراوان دارد. لذا برای خوب انتخاب کردن، نیاز به «معیار» داریم.

معیارهای انتخاب، باید بتوانند کارآمدی و صحیح و مفید بودن پدیده‌های قدیم و جدید را تشخیص دهند. قدمت یک اندیشه یا پدیده، نه دلیل غلط بودن آن است و نه موجب صحت و درستی آن. کهنگی در امور مادی راه دارد، اما حقایق ثابت زندگی (مانند عدالت‌خواهی، پرسشگری و سایر امور فطری انسان)، با گذشت زمان، کهنه و فرسوده نمی‌شوند.

از آنجا که اکثر تعاملات فرهنگی در دنیای جدید، بین فرهنگ و تمدن غرب با سایر فرهنگ‌ها، ازجمله فرهنگ اسلامی - ایرانی ما اتفاق می‌افتد، لذا معیارهای انتخاب، باید توانایی تشخیص و تمییز بین این دو فرهنگ را فراهم آورد، تا بتوانیم با دگرگونی‌های فرهنگی، برخورد فعال، آگاهانه و هوشمندانه داشته باشیم.

هویت اسلامی - ایرانی و ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، برخی معیارها را برای پذیرش و تعامل آگاهانه با دگرگونی‌های فرهنگی در اختیار ما قرار می‌دهد. این معیارها که بیشتر ناظر به باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌باشند، عبارت‌اند از:

۱- خدا باوری و آخرت‌گرایی: در سبک زندگی ما ایرانیان، اعتقاد به خداوند، جایگاه مهمی داشته و مردم همواره در فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود به خداوند و کسب رضایت او توجه دارند. بنای جامعه اسلامی ما بر پایه این باور و اعتقاد عمیق درونی افراد استوار است و همین باور، منشأ ارزش‌ها، رفتارها و نمادهای جامعه است. مهم‌ترین پیام این باور آن است که در هنگام بررسی و گزینش پدیده‌های فرهنگی، رابطه آن پدیده با توحید و یکتاپرستی، معاد و آخرت‌گرایی مشخص شود و در صورت مخالفت با توحید طرد شود و در صورت هماهنگی، گزینش شود.



وصیت شهید محسن حججی به
فرزندش:

«سعی کن یه جوری زندگی کنی که
خدا عاشقت بشه. اگه خدا عاشقت
بشه، خوب تو رو خریداری می‌کنه».



۲- وحدت ملی: پیوستگی و تداوم فرهنگی ما ایرانیان، به حفظ وحدت و تداوم حیات اجتماعی وابسته است و تمام پدیده‌های نوظهور با محوریت وحدت ملی، قابل بررسی و قبول و رد می‌باشند. سخنان و رفتارهای تفرقه‌انگیز، قوم‌گرایی افراطی، تشدید اختلافات مذهبی، انحصاری کردن نمادها و ارزش‌های ملی و مجموعه

باورها و رفتارهایی که به وحدت ملی آسیب می‌رسانند، پذیرفتنی نیستند.

۳- اخلاق‌مداری: اخلاق و اخلاق‌مداری، مرکز ثقل نظام‌های فرهنگی است و ثبات و پایداری فرهنگ عمومی، نیازمند رعایت موازین و فضائل اخلاقی می‌باشد. تقویت ارزش‌ها و رعایت آداب و اصول اخلاقی یک ضرورت برای حفظ سلامت جامعه است. هیچ نماد، الگو، ارزش و رفتار نوپدید نباید زیبایی‌های اخلاقی و اصول و پایه‌های آن را متزلزل کند.

۴- علم‌محوری: علم، به معنای عام خود (نه به معنای محدود علوم تجربی و ساینسیسم^۱) می‌تواند ملاکی برای



قبول یا رد پدیده‌های جدید باشد. آن دسته از تغییرات و تحولات فرهنگی که توسط یافته‌های علمی و پژوهشی معتبر تأیید می‌شوند، قابل پذیرش هستند. کلیه نمادها، ارزش‌ها و اعتقاداتی که بر اساس خرافات، سحر، جادو و شیطان‌پرستی در جامعه ترویج می‌شوند، از این دسته می‌باشند و غیرقابل پذیرش هستند.

۵- عقلانیت: دگرگونی‌های فرهنگی، باید خردپذیر بوده و توجیه عقلی داشته باشند. خداوند عقل و اندیشه را به انسان عنایت کرده تا با آن مسائل پیش رو را نقد و بررسی کند. در حقیقت، عقل، حجت درونی برای پذیرش و رد پدیده‌ها و موضوعات است همچنان که پیامبران علیهم‌السلام حجت بیرونی برای قبول و رد دیدگاه‌ها و رفتارها هستند. پیامبران و عقل، یعنی حجت ظاهر و باطن، با هم هماهنگی و هم‌افزایی دارند و عقلانیت معیار پذیرش می‌باشد.

۶- خانواده‌گرایی: خانواده یک نهاد اصیل، بنیادین و انسجام‌بخش جامعه و عامل تربیت و فرهنگ‌پذیری افراد است، لذا کسب و اقتباس عناصر فرهنگی از جوامع دیگر باید سازگاری لازم با ارزش‌های این نهاد مؤثر فرهنگی را داشته باشد و نباید باعث تضعیف آن شود. سبک‌های زندگی که مناسبات و روابط خانوادگی و ارزش‌ها و هنجارهای اصیل آن را ناکارآمد و آسیب‌پذیر می‌نمایند، قابل پذیرش نیستند.

۱- Scientism



«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و در کلاس گفتگو کنید:

گاهی نمادها، الگوها، ارزش‌ها و باورهایی که با معیارها و شاخص‌های خانواده در فرهنگ اسلامی-ایرانی همخوانی ندارند و قابل پذیرش نیستند، در جامعه ما ترویج و تبلیغ می‌شوند. مسئولیت ما در رویارویی با این «مسائل» چیست؟ ما چه واکنشی باید بروز دهیم؟ چگونه می‌توانیم از ظرفیت «امربه معروف و نهی از منکر» با رعایت شرایط آن، استفاده کنیم؟



خودباوری فرهنگی

یکی از پیام‌های بنیادین حضرت امام خمینی رحمه الله و از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه فکر و اندیشه، طرح شعارهایی نظیر «همه با هم» و «ما می‌توانیم» و از بین بردن روحیه «خودباختگی» و ایجاد «خودباوری» فرهنگی در جامعه ایران بوده است.

خودباوری فرهنگی به معنای شناخت فرهنگ خودی و ارزشمند دانستن عناصر و مؤلفه‌های آن، به دور از خودبزرگ‌بینی، تعصب و غرور گمراه‌کننده است. این باور، موجب اعتماد به نفس شده و زمینه بهره‌مندی از شایستگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خودی را فراهم می‌آورد.

برخی از مبلغان و مروجان فرهنگ غرب در ایران در سده گذشته، با الگوگیری از تجربه غربیان، درصدد بوده‌اند تا با تخریب و نابودی «میراث فرهنگی» ما ایرانیان و تضعیف روحیه «خودباوری» و گسترش منفی‌گرایی، زمینه مناسب برای پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ غرب را فراهم آورند و در نتیجه، فرهنگ جدید و اندیشه انسان‌مدارانه آن را در جامعه خداپاور ایران، حاکم نمایند. ملتی که بی‌هویت شد، گذشته خود و فرهنگ بومی خویش را تحقیر می‌کند و از ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن دوری می‌گزیند؛ فرهنگ بیگانه را بزرگ می‌پندارد و خود را محتاج آن احساس می‌کند و موفقیت خود و جامعه خویش را در پناه بردن به فرهنگ بیگانه و تشبه و تمسک به آن جستجو می‌کند.

ما ایرانیان، از یک سو، دارای پیشینه فرهنگی چند هزار ساله ایم و در برپایی و استمرار تمدن بشری و ساختن تمدن اسلامی، نقش آفرینی کرده ایم و هم اکنون، با انقلاب اسلامی، در صدد انتشار پیام عدالت، معنویت، علم و آگاهی، عبودیت و انسانیت در جهان هستیم، و از سوی دیگر، در مواجهه نابرابر با نظام سلطه و امپریالیسم فرهنگی و رسانه ای قرار داریم، به همین دلیل، حفظ وحدت ملی و انسجام فرهنگی، خودباوری فرهنگی و باور به توانمندی ها و ویژگی های مثبت فرهنگی، در جامعه امروز ما، یک ضرورت اجتناب ناپذیر و یک رسالت ملی است.



بررسی و گفتگو کنید



با بررسی زندگی یکی از شخصیت ها و دانشمندان جوان کشور که عمر خود را صرف فعالیت های علمی کردند مانند: سعید کاظمی آشتیانی، شهید مجید شهر یاری، شهید حسن تهرانی مقدم، مریم میرزاخانی و ... نقش آنان را در تقویت خودباوری فرهنگی و رشد و توسعه کشور تبیین نمایید.

کلام آخر

درخت نخل، درخت عجیبی است، وقتی نخلی را می‌خواهند قطع کنند، می‌گویند «آن را بکش»! تو گویی این درخت، چیزی شبیه به آدمیزاد است. بی‌جهت نیست که واحد شمارش آن هم مانند انسان، نفر است. نخل تنها درختی است که اگر سرش را قطع کنی، می‌میرد. بر خلاف همه درخت‌ها که سرشان را که می‌زنی، بار و برگ‌شان بیشتر می‌شود؛ اما نخل نه! سرش را که قطع کنی می‌میرد! مهم نیست ریشه‌اش در خاک سالم باشد، نخل بی‌سر، می‌میرد. این را اولین بار از دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران آموختم! پیرمرد همیشه می‌گفت: «فرهنگ»، مثل درخت نخل است. کافی نیست هزاران سال در خاک ریشه داشته باشی، مهم این است که سرت هم سالم باشد، یعنی نمود فرهنگی امروز جامع‌ات هم سالم باشد. اگر فرهنگ جامعه‌ای بیمار شد، آن فرهنگ می‌میرد، ولو هزاران سال ریشه داشته باشد.

پس مواظب فرهنگ امروز جامعه ات باش!





- ۱- قرآن کریم
- ۲- آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۲)، دغدغه‌های فرهنگی، انتشارات صهبای
- ۳- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۶)، نظریه تغییرات فرهنگی در ایران، انتشارات اطلاعات
- ۴- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، نشر کلمه
- ۵- استوارت هال، آنجلا مک‌رابی (۱۳۹۰)، درباره مطالعات فرهنگی، ترجمه: جمال محمدی، نشر چشمه
- ۶- امام موسی صدر (۱۳۹۵)، ادیان در خدمت انسان، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر
- ۷- امام موسی صدر (۱۳۹۴)، نای و نی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر
- ۸- برمن، ادوارد (۱۳۶۶)، ترجمه: حمید الیاسی، کنترل فرهنگ، نشر نی
- ۹- اینگلههارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، انتشارات کوثر
- ۱۰- بهار، مهری (۱۳۹۲)، اصول و مبنای مطالعات فرهنگی، انتشارات سمت
- ۱۱- تورن، آلن (۱۳۹۶)، پارادیم جدید، ترجمه: سلمان صادقی‌زاده، شرکت چاپ و نشر کتیبه
- ۱۲- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
- ۱۳- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، الگوهای سبک زندگی ایرانیان، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۱۴- ذوعلم، علی (۱۳۹۲)، فرهنگ معیار، پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اجتماعی
- ۱۵- روح‌الامینی، دکتر محمود (۱۳۶۸)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: عطار، چاپ دوم
- ۱۶- روشه، گی (۱۳۸۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه: دکتر منصور وثوقی، تهران، نشر نی
- ۱۷- ریچاردز، بری، (۱۳۸۸)، روانکاوی فرهنگ عامه، ترجمه: حسین پاینده، ویراست دوم، تهران: نشر ثالث.
- ۱۸- روجک، کریس (۱۳۹۰)، مطالعات فرهنگی، ترجمه: دکتر پرویز علوی، تهران: انتشارات ثانیه
- ۱۹- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۲۰- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸)، مدیریت منازعات قومی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۲۱- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، انتشارات ققنوس

- ۲۲- عرفان، جلیل (۱۳۹۳)، جستارهایی در حیات فرهنگی ایرانیان، انتشارات سروش
- ۲۳- فاضلی، نعمت‌الله و قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی، انتشارات تیا
- ۲۴- فروغی جهرمی، محمد قاسم (۱۳۸۹)، فرهنگ، نظام فرهنگی، تولیدات فرهنگی، بیانات مقام معظم رهبری، معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه
- ۲۵- مطهری، مرتضی (۱۳۵۵)، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا
- ۲۶- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، دانشنامه جوانمردی (فتوت)، انتشارات امیرکبیر
- ۲۷- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، وزارت امور خارجه
- ۲۸- وریج کاظمی، عباس (۱۳۹۲)، مطالعات فرهنگی دانشگاهی در ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- ۲۹- نوید، مهدی (۱۳۷۶)، فرهنگ و مقاومت فرهنگی، انتشارات محیا

- رمان‌های پیشنهادی برای مطالعه:

- امیرخانی، رضا (۱۳۷۲)، آرمیا، انتشارات سمپاد
- پترسون، کاترین (۱۳۹۴)، من یعقوب را دوست داشتم، مترجم: بیتا ابراهیمی، انتشارات پیدایش
- حسن‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴)، زیبا صدایم کن، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- رجبی، مهدی (۱۳۹۳)، کنسرو غول، انتشارات افق
- ضرابی‌زاده، بهناز (۱۳۹۲)، دختر شینا، انتشارات سوره مهر
- کرسمن تیلور، کاترین (۱۳۹۳)، گیرنده شناخته نشد، ترجمه: بهمن دارالشفایی، نشر ماهی
- گراف، لیزا (۱۳۹۵)، مطلقاً تقریباً، ترجمه: فریده خرمی، انتشارات پیدایش
- مستور، مصطفی (۱۳۷۹)، روی ماه خدا را ببوس، انتشارات مرکز



معلّمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند
نظر اصلاحی خود را درباره‌ی مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران،
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام‌نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری